

گذار از جهان هرودوتی به جهان پلوتارخوسی: آسیب‌شناسی ترجمه‌های فارسی متون کهن بنیادین دنیای باستان

اسماعیل سنگاری*

چکیده

در پژوهش‌های تاریخ ایران باستان که کمبود اطلاعات اعم از نوشته‌های مورخان کلاسیک، پوست‌نوشته‌ها و سنگ‌نوشته‌ها، و به مفهومی دیگر، داده‌های مادی (باستان‌شناختی) و مکتوب، مورخ را در تحلیل صحیح و دقیق آن دوره دچار مشکل می‌کند، ترجمه یک اثر کلاسیک مربوط به دوره‌ای خاص چنان اهمیت می‌یابد که تنها با انتشار یک اثر در این حوزه، اطلاعات و داده‌های تاریخی به گونه‌ای دیگر تفسیر و تعبیر خواهند شد. از این رو، روشن است که ترجمه آثار کلاسیک یونانی و لاتین اهمیتی دوچندان می‌یابد و شایسته است که مترجم افزون بر احاطه کامل بر دوره تاریخی متن موردنظر، بکوشد با وقوف کامل بر سبک و اسلوب نگارش نویسنده، وفاداری نسبت به متن را تمام و کمال حفظ نماید. این پژوهش بر آن است با بررسی تطبیقی ترجمه‌های دو مورخ کهن یونان و روم باستان، هرودوت هالیکارناسی و پلوتارخوس خرونها، راهکارهایی را برای جلوگیری از خطای پژوهشی مترجم - محققان ارائه دهد.

کلیدواژه‌ها: متون کهن، آسیب‌شناسی ترجمه، هرودوت هالیکارناسی، پلوتارخوس خرونها.

۱. مقدمه

۱-۱. چرایی، جایگاه و اهمیت ترجمه متون کهن دنیای باستان

ترجمه به عنوان یک حرفه که در تبادلات بین‌تمدنی به یاری مردمان تمدن‌های کهن برای برقراری ارتباط درآمد، سابقه‌ای بیش از چند هزار سال را یدک می‌کشد، ولی دانش

*دکتری تاریخ، زبان‌ها و تمدن‌های دنیای باستان - استادیار گروه تاریخ و ایران‌شناسی دانشگاه اصفهان،

e.sangari@ltr.ui.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۷/۱

ترجمه‌شناسی که می‌بایست به بررسی نظری چند و چون این علم بپردازد، شاید سابقه - ای بیش از هزار سال ندارد و آن زمانی است که جاحظ مورخ، در میان مسلمانان به بررسی ویژگی‌های ترجمه و طرح نظری برخی نکات در باب ترجمه پرداخت که اندکی بیش از هزار سال می‌نماید. در غرب نیز این سابقه به پانصد سال می‌رسد و آن زمانی است که اتین دوله فرانسوی به بررسی‌های نظری درباره ترجمه پرداخت. در طی این سده‌ها و به ویژه با آغاز قرن بیستم و رقابت فرهنگی دولت‌ها و حکومت‌ها با یکدیگر، همواره بخشی از موضوع اصلی متن‌شناسی این بوده که ترجمه خوب کدام است و آیا ترجمه باید به زبان مبدأ یا مقصد، کدام یک نزدیک‌تر باشد و چگونه می‌توان با ارائه ترجمه‌ای سلیس و خوب، به متن اصلی وفادار ماند (صفوی ۱۳۸۲: ۱۰).

"درباره شیوه ترجمه در سال‌های اخیر سخن بسیار گفته‌اند و بحق متذکر شده‌اند که مترجم خوب کسی است که سه شرط را در خود جمع داشته‌باشد: نخست تسلط بر زبانی که از آن ترجمه می‌کند (یا اصطلاحاً زبان مبدأ)؛ دوم تسلط بر زبانی که به آن ترجمه می‌کند (یا اصطلاحاً زبان مقصد)؛ سوم تسلط بر موضوع مورد بحث کتاب. ... زیرا اگر مترجم اهل اصطلاح نباشد، از عهده ترجمه آن بر نمی‌آید" (نجفی ۱۳۸۹: ۶).

حال در مواجهه با متون کهن بنیادین دنیای باستان، شرایط چگونه می‌نمایند؟ محققان و تاریخ‌پژوهان دوره باستان آگاه‌اند که سبک نگارش نویسندگان یونان و روم با یکدیگر متفاوت است؛ همچنان که داده‌ها و اطلاعات تاریخی آن‌ها، حتی در توصیف چند و چون یک واقعه. پس بر مترجم فرض است که پیش از آغاز ترجمه، درباره نویسنده و دوره تاریخی او اطلاعات وافی و کافی به دست آورد. نکته مهم دیگر این که مخاطبان چنین آثاری، پژوهشگران و متخصصان تاریخ، جامعه‌شناسی، زبان‌شناسی، فرهنگ‌های باستانی و حتی دیگر شاخه‌های علوم انسانی‌اند و پژوهش‌ها و تفسیرهای خویش را بر پایه داده‌های چنین آثاری استوار می‌سازند و بس ناگوار خواهد بود که آن اطلاعات ناقص و پر ابهام را در پژوهش‌های خویش وارد سازند و حتی به تفسیر و تبیین این اطلاعات نادرست همت گمارند (سنگاری ۱۳۸۴: ۷۰).

در این پژوهش نویسنده بر آن است با بررسی تطبیقی ترجمه‌های دو اثر کهن، برای این پرسش‌ها تا حد امکان پاسخی درخور ارائه دهد: ترجمه‌های آثار مورخان یونان و روم باستان به زبان فارسی در چه جایگاهی قرار دارند؟ این ترجمه‌ها، در راستای اهداف پژوهشی محققان حوزه مطالعات باستانی، تا چه میزان قابل استناد هستند؟ برخورد

پژوهشگران و اساتید دانشگاه‌ها در ایران، برای بهره‌گیری از این متون جهت بروندهای پژوهشی در قالب مقالات علمی-پژوهشی و کتاب چگونه باید باشد؟

۱-۲. مواجهه با متون کهن یونان و روم باستان در دنیای لاتین و آنگلوساکسون

پژوهش در دنیای غرب، برای نیل به شرق‌شناسی کارآمد و علمی، پس از چهارسده تلاش از اوایل قرن پانزدهم، در دنیای فرانسوی‌زبانو بعد از سه سده تلاش از اوایل قرن شانزدهم، در دنیای انگلیسی‌زبان، برای ارائه ترجمه‌های اصیل و بی نقص، در ابتدای قرن بیستم به راهکاری ارزشمند دست یافت. در واقع، پژوهشگران دریافتند که ترجمه‌های متفاوتی که از متون کلاسیک در دسترس آنان قرار می‌گیرد، داده‌های متفاوتی را بنابر نسخه‌های در دسترس مترجم در اختیار آنان می‌نهد که این خود، به تفسیرهای گوناگونی از متنی واحد که توسط مترجمان گوناگون برگردانده شده‌اند، می‌انجامد. برای مثال از اوایل قرن پانزدهم میلادی، ترجمه‌های متعددی از تواریخ هرودوت توسط مترجمانی نظیر؛ لوران والا، پی‌یر سالیا، لارشه، تالبو، پل‌لویی کوریه، پسونو، هانری برگن، لوگران، آندره بارگه و ... به زبان فرانسوی صورت پذیرفته که هر یک از آنان بنا به رویکرد خویش به ترجمه‌ای آزاد یا علمی دست یازیدند. با این طیف از ترجمه‌های متفاوت، لازم بود که اجماعی برای بهره‌گیری از متنی واحد برای بهره‌گیری در آثار پژوهشی مورد توافق قرار گیرد و این چنین بود که نشر «لِبِلِ لِتِقْ / مکتوبات زیبا / *Les Belles Lettres*» در دهه دوم قرن بیستم میلادی پا به عرصه وجود نهاد.

"لِبِلِ لِتِقْ" مجموعه آثاری است که توسط موسسه انتشاراتی "گیوم بوده" (Guillaume Budé (1467-1540) در پاریس منتشر می‌شود و این بنگاه انتشاراتی به طور گسترده و ضابطه‌مند به ترجمه آثار کلاسیک و کهن یونان و روم باستانی پردازد. این مجموعه، با متن‌های اصلی به زبان یونانی و لاتین به همراه ترجمه دقیق و متقن آن‌ها، توسط بزرگ‌ترین متخصصان ادبیات و تاریخ یونان و روم باستان منتشر می‌شود. آغاز راه-اندازیمجموعه "لِبِلِ لِتِقْ" به سال ۱۹۱۹م. و اولین اثر منتشرشده آن، به سال ۱۹۲۰م. بوده است. نخستین جلد مجموعه آثار یونانی-فرانسوی آن در سال ۱۹۲۰م. و لاتین-فرانسوی آن در سال ۱۹۲۱م. در "مجموعه انتشارات دانشگاه‌های فرانسه" *Collection des Universités de France* منتشر شد. اکنون دو نسخه از این مجموعه با لوگوی جغد دانش (برای زبان یونانی) و گرگ ماده مادر روموس و رومولوس (برای زبان لاتین) با جلد سخت به زیور طبع آراسته می‌شود. در سال‌های اخیر، ترجمه‌های

اولیه این مؤسسه انتشاراتی بارها مورد بازبینی قرار گرفته‌اند. "مکتوبات زیبا" در مقایسه با کتاب‌های هم‌موضوع خود، دیدگاه منتقدانه‌ای دارد؛ بنابراین تقریباً برای همه افراد قابل درک و فهم است. این منبع هم‌اکنون به‌عنوان یکی از کامل‌ترین مجموعه‌ها، شامل عناوین تاریخی و آثار قدیمی در زبان لاتین و یونانی شناخته می‌شود.^۱

نباید فراموش کرد که دنیای انگلیسی‌زبان نیز همگام و حتی پیشتر از فرانسوی‌ها، برای رفع معضل مواجهه با متون متعدد ترجمه‌ای آثار کلاسیک، دست‌به‌کار شده بود و آنان هفت سال پیش از فرانسوی‌ها راهکار خویش را عملی ساختند و با تأسیس مؤسسه انتشاراتی «کتابخانه کلاسیک لوب/لوب کلاسیکال لایبری / *Loeb Classical Library*» انتشار آثار کلاسیک در دنیای انگلیسی‌زبان را سروسامانی بخشیدند. "لوب کلاسیکال لایبری" مجموعه آثاری است که توسط انتشارات دانشگاه هاروارد منتشر می‌شود و در آن به‌طور گسترده و ضابطه‌مند به ترجمه آثار کلاسیک و کهن باستانی یونان و روم می‌پردازد. در "کتابخانه کلاسیک لوب"، متن‌های اصلی به زبان یونانی و لاتین به همراه ترجمه تقریباً تحت‌اللفظی آن‌ها دیده می‌شود. آغاز تألیف این مجموعه توسط جیمز لوب (James Loeb) صورت پذیرفت و دبیران این مجموعه، در حال حاضر، جفری هندرسون (Jeffrey Henderson) و ویلیام گودوین اورلیو (William Goodwin Aurelio) استادان زبان و ادبیات یونانی در دانشگاه بوستون هستند. نخستین جلد این کتاب در سال ۱۹۱۲م. توسط و.اچ.دی روس (W.H.D. Rouse) و ادوارد کیپس (Edward Keeps) ویرایش و منتشر شد. اکنون دو نسخه از این مجموعه با رنگ‌های سبز (برای زبان یونانی) و قرمز (برای زبان لاتین) با جلد سخت به زیور طبع آراسته می‌شود. در سال‌های اخیر، نظیر نشر "لیبل لیتق"، ترجمه‌های اولیه بارها مورد بازبینی قرار گرفته‌اند. کتابخانه کلاسیک لوب در مقایسه با کتاب‌های هم‌موضوع خود، دیدگاه منتقدانه‌ای دارد؛ با وجود این تقریباً برای همه افراد قابل درک است. این منبع هم‌اکنون نظیر هم‌تای فرانسوی‌زبان خود، به‌عنوان یکی از کامل‌ترین مجموعه‌ها، شامل عناوین تاریخی و آثار قدیمی در زبان لاتین و یونانی شناخته می‌شود.^۲

چاپ و نشر این قبیل آثار که انتخاب مترجم و پژوهشگری دانشمند و آگاه به متن کلاسیک مورد نظر را می‌طلبد، مستلزم سعه صدر بسیار ناشر است. به عبارت دیگر، از مرحله آغازین انتخاب مترجم و قرارداد تألیف و ترجمه تا مرحله چاپ نهایی، بار مالی متوجه ناشر است و ناشر با علم به این که این اثر به جز مؤسسات پژوهشی و دانشگاهی، فروش چندانی نخواهد داشت و حتی افراد حقیقی به دلیل گرانی بی اندازه

اثر، قادر به خرید آن نخواهند بود، دست به ابتکاری هوشمندانه زده‌است. بر این اساس، پس از عقد قرارداد با نویسنده، ناشر اثر را به مؤسسات پژوهشی و دانشگاهی معرفی می‌کند و پس از دریافت اعلام نسخه‌های مورد نیاز آن نهاد پژوهشی، به چاپ و نشر آن مبادرت می‌ورزد. بدین‌سان، برخلاف تصور رایج در چاپ‌ونشر آثار در دنیای غرب که در اغلب موارد بیش از صدهزار نسخه و در موارد خاص بالای یک میلیون نسخه است، این آثار تیراژی زیر هزار نسخه دارند که آن نیز، تنها با توجه به تقاضای مؤسسات پژوهشی، بدان‌ها عرضه می‌شود. این نکته ظریف و البته قابل تأمل، می‌تواند راهکاری مفید برای مؤسسه‌ای پژوهشی یا نهادی وابسته به انتشارات دولتی در ایران باشد که به چاپ‌ونشر ضابطه‌مند این آثار، براساس قواعدی علمی مبادرت ورزند.

۱-۳. مترجم و مواجهه با متون کهن یونان و روم باستان

در جریان ترجمه، مترجم با دو زبان مبدأ و مقصد درگیر است و او باید تلاش بی‌شائبه‌ای به خرج دهد که مخاطبش -خواننده- ترجمه‌اش را دریابد و در عین حال، پیام نویسنده نیز تحریف نشود (صفوی ۱۳۸۲: ۱۶) و این مسئله در مواجهه با متنی کلاسیک بسیار دشوارتر از متنی روزآمد و معاصر می‌نماید. بدین‌سان، در بادی امر به نظر می‌رسد مترجم یک اثر کلاسیک، با دیگر مترجمان حوزه‌های مختلف پژوهشی تفاوتی بنیادین ندارد. به عبارت دیگر، مترجم رمان، آثار روان‌شناسی، جامعه‌شناسی یا حتی متون تاریخی معاصر، با دانش وافعی و کافی زبان مبدأ، قادر است اقدام به برگرداندن متنی کلاسیک بنماید. باید گفت این یک اشتباه راهبردی تمام‌عیار محسوب می‌شود. مترجم متن کلاسیک در بادی امر نیاز به دانش زبانی زبان مبدأ دارد، ولی آن زبان، انگلیسی، فرانسوی یا آلمانی و دیگر زبان‌های غربی نیست، به عبارت دیگر دانستن زبان یونانی یا لاتین مرتبط با متن پایه، مطمح نظر است. در دنیای غرب، محققان با تحصیلات عالی در رشته‌های تاریخ و فرهنگ‌های باستانی، با این مشکل مواجه نیستند و آموزش‌های لازم در مقاطع مختلف از دوره کارشناسی برای آن‌ها دور از دسترس نیست؛ مسئله‌ای که در ایران، نقطه مقابل آن است و امکانات لازم برای آموزش در این زمینه، فراهم نیست.^۳ با علم به این موضوع، وقتی گزینه اول موجود نیست و دانش زبانی زبان مبدأ وجود ندارد، چه راهکارهایی پیشنهاد می‌شود؟ در این شرایط دانش کافی بر زبان مبدأ دست دوم است که اهمیت می‌یابد. بدین‌سان، جستجوی بهترین ترجمه‌های موجود از اثر کلاسیک مورد نظر، به طور مشخص از

زبان‌های انگلیسی، فرانسوی و آلمانی، باید صورت پذیرد و حداقل سه ترجمه از هر یک از زبان‌ها، برای ارائه یک ترجمه انتقادی خوب و مؤثر در دسترس مترجم باشد. آنگاه، انتخاب یک متن پایه از میان آن‌ها برای ترجمه و بهره‌گیری از دیگر آثار برای مطابقت با متن پایه در دستور کار مترجم قرار خواهد گرفت. بی‌شک، متن پایه باید از انتشاراتی معتبر (نظیر لیل لتق یا لوب کلاسیکال لایبری) که متن شاهد یونانی/لاتین در صفحات مقابل آن آمده، انتخاب شده باشد. مترجم اثر، باید برگردان پانوشتهای متن پایه منتخب، مطابق با نیاز پژوهشگران فارسی‌زبان را همزمان با ترجمه متن پایه انجام دهد. تشخیص "نیاز پژوهشگران فارسی‌زبان" بر عهده مترجم است، زیرا در یادداشت‌ها و پانوشتهای متن مبدأ در برخی موارد، اطلاعاتی به چشم می‌خورد که برای خواننده و محقق فارسی‌زبان چندان کاربردی نمی‌نماید و برای پژوهشگری اروپایی تعریف شده است که در گستره جغرافیایی اروپای کنونی روزگار می‌گذرانند. مترجم همچنین باید برای برقراری ارتباط بیشتر خوانندگان با متن کلاسیک، ترجمه و بهره‌گیری از پانوشتهای دیگر متون مبدأ در دسترس را به انجام برساند. با سرانجام یافتن برگردان متن پایه، تحقیق بر متن کلاسیک مورد نظر برای ارائه داده‌ها و توضیحاتی برای درک بهتر خواننده فارسی‌زبان، اهمیتی ویژه می‌یابد. این توضیحات که در قالب مقدمه مترجم است، با ارائه نقشه‌ها و ضمائم برای برقراری ارتباط بیشتر خوانندگان اثر با متن کلاسیک در انتهای اثر، انجام خوبی خواهد یافت. بدین‌سان، اثر ارائه شده، نه یک ترجمه، بلکه یک تحقیق جامع و مانع از اثری کلاسیک است که ارزش احترام دارد، حتی بیش از یک اثر تألیفی.

۲. هرودوت هالیکارناسی (سده پنجم پیش از میلاد)

هرودوت هالیکارناسی (Herodotus of Halicarnassus) که ارسطو (III, Rhétorique, ۹) از وی تحت‌نام "هرودوت توریومی" (Herodotus of Thorium) یاد می‌کند، نویسنده نه جلد تواریخ است (سنگاری ۱۳۹۳: ۱۳۷). وی که از سوی مارکوس تولیوس - چیچرو (سیسرو)، خطیب و فیلسوف شهیر رومی "پدر تاریخ" (در باب قوانین) و از سوی پلوتارخوس، مورخ شهیر حیات مردان نامی، "پدر دروغ" (در باب خبث طینت هرودوت) نامیده شده است، از عصر باستان تا امروز متحمل بیشترین نقدها گشته است (Plutarch, *Moralia: On the Malice of Herodotus*, Vol. XI).^۴ او کتاب "تواریخ" یا "تبعات" (L'Enquête) خویش را درباره حوادث گذشته یونان و سرزمین‌های غیر-

گذار از جهان هرودوتی به جهان پلوتارخوسی: آسیب‌شناسی... ۲۰۵

یونانی در شرق و به ویژه، جنگ‌های ایرانیان و یونانیان در نه کتاب (موزها) (Muses) به رشته تحریر درآورد. اثر هرودوت در زمانی نوشته شد که تأثیرات ادبیات شفاهی، هنوز قدرتمندتر از ادبیات مکتوب می‌نمود؛ زمانی که نویسندگان هنوز تنها یک راوی داستان و حکایت بود و دنیای اسطوره‌ای هومر، بسیار دور، مرموز و عجیب می‌نمود. بدین‌سان، تفاوت میان افسانه و تاریخ مشخص نبود (Sharrock & Ash 2002: 57).

۱-۲. بررسی موردی سه ترجمه فارسی و دو ترجمه لاتین تواریخ اثر هرودوت
انتشار و ترجمه تواریخ هرودوت در دنیای فرانسوی‌زبان از سده پانزدهم میلادی آغاز شد. در بادی امر، در فرانسه متن تواریخ هرودوت نخستین‌بار در ۱۴۷۴ میلادی با ترجمه لاتین لوران والا (Laurent Valla) به زیور طبع آراسته شد. در ۱۵۵۶ میلادی با ترجمه فرانسوی پی‌یر سالیو^۵، در ۱۷۹۶ میلادی با ترجمه لارش (Larcher)، در ۱۸۶۴ میلادی با ترجمه تالبو (Talbot)، در ۱۸۲۲ میلادی با ترجمه پل‌لویی کوریه^۶ بر بخش‌هایی از متن تتبعات (تواریخ)، در ۱۸۸۱ میلادی با ترجمه و تصحیح پسونو (E. Personneaux, Paris, 1881 Collection des Classiques) بر ترجمه لارش، در ۱۹۳۲ میلادی با ترجمه هانری برگن (H. Berguin) در مجموعه کلاسیک‌های نشر گرنیه (Garnier)، در ۱۹۳۲-۱۹۵۴ میلادی با ترجمه، مقدمه و نمایه موضوعی در یازدهم جلد توسط لوگران^۷ در نشر لیل‌لتق، در ۱۹۶۲ میلادی با مقدمه دن^۸ در دو جلد در نشر لیل‌لتق و سرانجام در ۱۹۶۴ میلادی با ترجمه و تحقیق آندره بارگه (André Barguet) در نشر گالیمار^۹، این اثر بارها و بارها مورد توجه و بازبینی بهترین محققان و مترجمان فرانسوی تاریخ یونان باستان واقع شده‌است. در این‌جا، به مقایسه عبارتی از متن کتاب نخست هرودوت که از عصر بی‌زانس به نام کلیو، ایزدبانوی تاریخ، ثبت شده، می‌پردازیم:

۲-۲. ترجمه هرودوت از کتاب اول (کلیو)، بند ۱۲۶

ترجمه فرانسوی لوگران:

Page 147, 126: "Puis, après qu'ils eurent festoyé, il leur demanda ce qu'ils aimaient le mieux, de leur condition de la veille ou de leur condition présente".

ترجمه انگلیسی راولینسون:

Page 30, 126: After the feast was over, he requested them to tell him “which they liked best, to-day’s work, or yesterday’s?”

ترجمه هادی هدایتی: بند ۱۲۶، ص. ۲۱۲: «وقتی ضیافت به پایان رسید، از آن‌ها سؤال کرد بین نوع زندگی که در شهر دارند و نوع زندگی که در بیابان اکنون با آن روبرو هستند، کدام یک را ترجیح می‌دهند.»

ترجمه مرتضی ثاقب‌فر: بند ۱۲۶، ص. ۱۶۰: «پس از پایان جشن کوروش از همگی پرسید کدام بهتر بود، آیا کار سخت دیروز یا خوشی امروز؟»

ترجمه اسماعیل سنگاری: بند ۱۲۶، ص. ۹۶: «پس از به پایان رسیدن ضیافت، او آن‌ها خطاب قرار داد که آیا مشغولیات روز گذشته را مرجح می‌دارند یا از آن امروز را؟» ترجمه‌های فرانسوی لوگران، انگلیسی راولینسون، و فارسی ثاقب‌فر و سنگاری کم و بیش یک معنی از آن‌ها مستفاد می‌شود؛ این در حالی است که ترجمه هدایتی که متن پایه وی در ترجمه فارسی، اثر لوگران است، بیانگر موضوعی دیگر است. با استناد به متن ترجمه هدایتی، اقوام پارسی، زندگی شهرنشینی داشته‌اند و با حضور در بیابان، در حال آزمودن زندگی مردمان صحرائشین‌اند. این موضوع، با آن‌چه در سال‌های اخیر، بر پایه آخرین پژوهش‌های محققان تاریخ هخامنشی مطرح است، منافات دارد (ن.ک. Briant 1990: 69). به نظر می‌رسد مترجم فارسی (هدایتی)، واژه فرانسوی la ville را با اشتباه گرفته و در نتیجه، با ساختاری مواجه شده که در نهایت به خطا، منجر به افزودن "نوع زندگی بیابانگردی" شده‌است که در جمله برگردان فرانسوی از متن یونانی، اثری از آن به چشم نمی‌خورد.

۳. پلوتارخوس خرونه‌ای (مورخ سده اول و دوم میلادی)

۱-۳. بررسی موردی سه ترجمه فارسی و دو ترجمه لاتین از "زندگانی

اردشیر دوم هخامنشی" اثر پلوتارخوس خرونه‌ای

"حیات مردان نامی" پلوتارک (Plutarque) با ترجمه رضا مشایخی، "ایرانیان و یونانیان به روایت پلوتارخ" با ترجمه احمد کسروی، "تاریخ کیش زردشت (جلد ۲: هخامنشیان)" با ترجمه همایون صنعتی زاده سه متن فارسی است که ترجمه‌ای از بندهای آغازین اثر پلوتارخوس ارائه می‌دهند.

متن آغازین «زندگانی اردشیر دوم» اثر پلوتارخوس به زبان فرانسوی از مجموعه لبل لیتق:

گذار از جهان هرودوتی به جهان پلوتارخوسی: آسیب‌شناسی... ۲۰۷

Peu de jours après la mort de Darius, Artaxerxès se rendit à Pasargades (3), pour s'y faire sacrer par les prêtres de Perse. Dans cette ville il y a un temple dédié à la déesse de la guerre, qu'on peut conjecturer être la même que Minerve. Celui qui doit être sacré entre dans ce temple : là il quitte sa robe, et revêt celle que portait Cyrus l'ancien avant qu'il fût parvenu à la royauté, et qu'on garde avec vénération ; après avoir mangé **une figue sèche**, il mâche des **feuilles de térébinthe**, puis il boit **un breuvage composé de vinaigre et de lait**.

متن آغازین «زندگانی اردشیر دوم» اثر پلوتارخوس به زبان انگلیسی از مجموعه لوب کلاسیکال لایبری^۱:

3. A little while after the death of Dareius, the new king made an expedition to Pasargadae, that he might receive the royal initiation at the hands of the Persian priests. Here there is a sanctuary of a warlike goddess whom one might conjecture to be Athena. Into this sanctuary the candidate for initiation must pass, and after laying aside his own proper robe, must put on that which Cyrus the Elder used to wear before he became king; then he must eat of a **cake of figs**, chew some **turpentine-wood**, and **drink a cup of sour milk**.

متن ترجمه «زندگی نامه اردشیر دوم» اثر پلوتارخوس به زبان فارسی از رضا مشایخی (حیات مردان نامی):

بند ۳. چند روزی پس از مرگ، اردشیر به پاسارگاد رهسپار شد تا به دست مؤبدان تاج سلطنت بر فرقش نهاده شود. در پاسارگاد گویا معبدی است که به افتخار رب النوع جنگ که محتمل است **مینرو** باشد بنیاد یافته. هریک از پادشاهان ایران که می‌بایست بر تخت سلطنت جلوس کنند، به آن محل می‌آمدند و لباس خود را خارج نموده، ردای سلطنتی **کوروش اول** را بر تن می‌نمودند و خود را متبرک می‌ساختند. **خوراکی که از انجیر درست شده بود، می‌خوردند و سپس یک جرعه آب ماست می‌نوشیدند** (حیات مردان نامی، جلد ۴، ص. ۴۸۰).

متن ترجمه «زندگانی اردشیر دوم» اثر پلوتارخوس به زبان فارسی از احمد کسروی (ایرانیان و یونانیان):

اندکی پس از مرگ داریوش بود که جانشین او ارتخشتر به پاسارگاد رفت برای انجام آیینی که بایستی به هنگام تخت‌نشینی با دست موبدان انجام گیرد. در آنجا ستایشگاهی

است به نام **خدای مادینه جنگدوستی** که می‌توان آن را مانده **مینروا** دانست و در این پرستشگاه است که کسی که نامزد تخت و تاج است، رخت خود را کنده رختی را که **داریوش یکم** پیش از پادشاهی بر تن خود داشته می‌پوشد و سپس **یک زنبیل انجیر** خورده از روی آن، **قدری میوه** خورده و **یک فنجان شیر ترش** می‌نوشد.^{۱۱}

متن ترجمه «زندگانی اردشیر دوم» اثر پلوتارخوس به زبان فارسی برگرفته از اثر مری-بویس (تاریخ کیش زرتشت) ترجمه همایون صنعتی‌زاده:

اردشیر، چند روزی پس از مرگ، رهسپار پاسارگاد شد تا مراسم آغاز سلطنت او، به دست **مغان** انجام شود. در آنجا زیارتگاهی است برای ایزدانویی که **مظهر جنگ** است و می‌توان حدس زد که **آتنه** باشد. هریک از شاهان ایران که می‌بایست بر تخت جلوس کند به آن محل می‌آمد. جامه از تن در می‌آورد و لباسی را که **کوروش بزرگ (دوم)** پیش از رسیدن به شاهی بر تن می‌کرد، می‌پوشید. **آنگاه حلوی انجیر** می‌خورد. **چوب درخت سرو** را می‌جوید. **کاسه‌ای دوغ** سر می‌کشید.^{۱۲}

با توجه به آنچه آمد، اختلافات ترجمه‌ها در کدام واژه یا عبارت است و در نگاه انجامین، کدامیک به متن پایه نزدیک‌تر است؟

ترجمه مشایخی: «... **خوراکی که از انجیر** درست شده بود می‌خوردند و سپس **یک جرعه آب ماست** می‌نوشیدند.»

اختلافات ترجمه: به دست مؤبدان / به افتخار رب النوع جنگ مینرو (بغ) / کوروش اول / خوراک انجیر / یک جرعه آب ماست.

ترجمه کسروی: «... سپس **یک زنبیل انجیر** خورده از روی آن **قدری میوه** خورده و **یک فنجان شیر ترش** می‌نوشد.»

اختلافات ترجمه: با دست موبدان / خدای مادینه جنگدوستی مینرو (بغ دخت) / داریوش یکم / یک زنبیل انجیر / قدری میوه / یک فنجان شیر ترش.

ترجمه صنعتی‌زاده: «... **آنگاه حلوی انجیر** می‌خورد. **چوب درخت سرو** را می‌جوید. **کاسه‌ای دوغ** سر می‌کشید.»

اختلافات ترجمه: به دست مغان / مظهر جنگ، آتنه (بغ دخت) / کوروش بزرگ (دوم) / حلوی انجیر / چوب درخت سرو / کاسه‌ای دوغ.

این اختلاف در ترجمه‌ها، آن‌هم در متون بنیادینی که اندک تفاوتی در گزاره‌ها، تفاسیری گوناگون از محققان را به دست می‌دهد، قابل چشم‌پوشی و اغماض نیست. صفوی،

گذار از جهان هرودوتی به جهان پلوتارخوسی: آسیب‌شناسی... ۲۰۹

نویسنده و مترجم، در مبحثی تحت عنوان در باب "شیوه نقد ترجمه" با بیان روایتی جالب، موضوع گوناگونی ترجمه از یک متن واحد را به روشنی بیان می‌دارد: "می‌گویند که بطلمیوس دوم، پادشاه مصر، از کاهن بزرگ اورشلیم خواست تا وی هفتاد مترجم را برای ترجمه کتاب شریعت یهود راهی اسکندریه کند. این هفتاد تن در اتاق‌های جداگانه از یکدیگر محبوس شدند تا هفتاد ترجمه یونانی از متن مورد نظر را به صورت منفرد تهیه کنند. پس از انجام کار، مشاهده شد که تمامی ترجمه‌ها یکسان بوده و هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند، از این رو، کار آنان را "ترجمه هفتادی" نامیدند. این روایت اگر چه جالب می‌نماید، ولی بدون تردید افسانه‌ای بیش نیست. هیچ دو مترجمی از یک متن واحد ترجمه‌ای یکسان به دست نمی‌دهند و حتی اگر یک مترجم نیز پس از ترجمه متنی، اقدام به ترجمه‌ای دوباره از آن متن کند، برگردانی متفاوت از ترجمه نخست خود به دست خواهد داد. این مسئله در زبان‌شناسی و به ویژه در چهارچوب "کاربردشناسی زبان" تحت عنوان گوناگونی در ترجمه مطرح است (صفوی ۱۳۶۹: ۱؛ صفوی ۱۳۸۲: ۳۹).

۳-۲. آسیب‌شناسی ترجمه‌ها و تحلیل نوشته پلوتارخوس

بنابه تحلیل مری بویس، بر پایه بند سوم «زندگانی اردشیر» اثر پلوتارخوس، دقیقاً خصیصه فرایض دیانت زردشتی رعایت می‌شده است. سه چیز بایستی به گونه‌ای آیینی مصرف شود: دو تا از ملکوت گیاهان و یکی از شهریاری حیوانات. از همین رو، پراهومی را که در مراسم یسنا فراهم می‌شود و عامه مردم اجازه مصرف آن را دارند، ترکیبی است از فشرده گیاه هوم با برگ انار و آمیخته با شیر. این مراسم که شرح آن نخستین بار به هنگام جلوس اردشیر دوم (۴۰۴/۴۰۵-۳۵۸/۳۵۹ پ.م) به رشته تحریر درآمد، به احتمال قریب به یقین توسط کمبوجیه یا داریوش بزرگ بنیاد گذارده شده بود. مراسم، سرشار از انبوه اشارات ضمنی سیاسی، مذهبی و آیینی است که به گونه‌ای نیرومند بر دوام دین و دولت هخامنشیان دلالت دارد.

باتوجه به آنچه آمد، اردشیر دوم نیز با توجه به اشاره پلوتارخوس، به این سنت پایبند ماند تا بر مشروعیت خویش که توسط کوروش کوچک با حمایت مادرشان پروشاته، در معرض تهدید قرار گرفته بود، صحنه نهاده باشد. این که او سنت پیشینیان‌اش را پایمال نکرده، همچنان پایبند سنن خاندان خویش باقی ماند که عناصری از دین زردشتی خالص را در آیین خویش داشته‌اند، جای هیچ شکی باقی نمی‌گذارد. پی‌یر بریان در این باره نیز اشاره دقیقی دارد: «... این احتمال بسیار اندک می‌نماید که اردشیر

دوم با سیاست اسلاف خویش قطع ارتباط کرده، تلاش کرده باشد تا کیش ارباب انواع ایرانی را در مناطقی که بروس بابلی برشمرده، مستقر کند... در این شرایط، مخاطبان تصمیم اردشیر مشخص‌اند. شاه بزرگ از این طریق، پارسیان ساکن در ولایات گوناگون امپراتوری را هدف پیام خویش قرار می‌دهد و با پراکندن کیش ایزدان که بخشی از مشروعیت پادشاهی است، در جست‌وجوی آن‌است که پارسیان پراکنده را هر چه بیشتر به خود پیوند دهد.» (Briant, 1996: 520)

۴. نتیجه‌گیری

باری دیگر، پرسش‌های آغازین را برای تحلیلی جامع و مانع از سر می‌گیریم. ترجمه‌های آثار مورخان یونان و روم باستان به زبان فارسی در چه جایگاهی قرار دارند؟ این ترجمه‌ها، در راستای پژوهشی اهداف محققان حوزه مطالعات باستانی، تا چه میزان قابل استناد هستند؟ برخورد پژوهشگران و اساتید دانشگاه‌ها در ایران، برای بهره‌گیری از این متون جهت بروندهای پژوهشی در قالب مقالات علمی-پژوهشی و کتاب چگونه باید باشد؟ به نظر می‌رسد آثاری که تاکنون در ایران، در زمینه متون کهن یونان و روم باستان منتشر شده‌اند، به دلیل عدم داشتن متولی تمام‌عیار، چه در زمینه ترجمه و چه در زمینه تولید این آثار، به جز چند مورد انگشت‌شمار، دارای انجام خوبی نبوده‌اند.^{۱۳}

به باور نویسنده، تغییر رویکرد در ترجمه آثار کهن دنیای باستان، راهکاری غیر قابل اجتناب پیش روی پژوهشگران این حوزه مطالعاتی است. باید بپذیریم که ترجمه متون کلاسیک با ترجمه متون معاصر تفاوتی بنیادین دارد و به همان میزان که پایبندی به واژه‌های زبان مبدأ در ترجمه متون کلاسیک اهمیت ویژه خویش را دارد، پاسداری از سبک نویسنده دنیای باستان نیز وظیفه محقق-مترجم این گونه آثار است؛ امری که در ترجمه‌های آثار پژوهشی معاصر نیازی به وفاداری تمام‌وکمال نسبت بدان احساس نمی‌شود و ترجمه‌ای آزاد نیز می‌تواند نیازهای پژوهشی محقق ما را مرتفع سازد. آن‌چه در تواریخ هرودوت و زندگی‌های موازی پلوتارخوس ذکر آن‌ها رفت، بیانگر اهمیت ویژه متون کهن برای درک بهتر تاریخ و فرهنگ ایران است، افزون بر این‌که مترجم-محقق باید با تحقیقی تمام‌عیار و درک دقیق زندگی و زمانه نویسنده کهن مطمح نظر خویش، تفاوت سبک در تواریخ هرودوت هالیکارناسی متعلق به سده پنجم پیش از

می‌لاد را با "کتابخانه تاریخی" دیودور سیسیلی متعلق به سده اول پیش از میلاد، با ارائه ترجمه‌ای متقن و وفادار به متن پایه نشان دهد. تنها راهکار قابل پیش‌بینی برای گذار از احتمال ورود خطا در ترجمه این‌گونه آثار، یافتن متولی برای ترجمه این متون کهن است؛ چنان‌که نشر میراث مکتوب برای آثار ایران دوره اسلامی نقش خویش را تاکنون، تا حد بضاعت خود درست ایفا کرده است. بدین‌سان، سپردن ترجمه این آثار به صاحبان دانش لازم بر این متون با نظارت همه جانبه یک بنگاه ترجمه و نشر کتاب که هدف غایی‌اش، نه دریافت سود مالی، بلکه گسترش بسامان این حوزه پژوهشی است، شاید انجام خوبی یابد. نگارنده بر این باور است که با وجود این‌که از شرق‌شناسی رویایی یا تخیلی غربیان که به نظر می‌رسد ارائه تصویری کاملاً غلط از مشرق زمینی واقعی است، بیش از پنج سده می‌گذرد، غرب‌شناسی هنوز در شرق و به مفهوم اخص کلمه در ایران، به مفهوم واقعی آغاز نشده و هنوز چنان نطفه‌ای در کالبد تن می‌نماید. پایان بی‌اعتنایی به غرب‌شناسی در ایران، تنها راه آغاز حرکت رو به جلو در درک تعامل و تقابل این دو واحد تمدنی است و باید شعار فراگیر "غرب مبهم و تاریک" به کناری نهاده شود. (سنگاری، در دست انتشار: تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری در دنیای باستان).

پی‌نوشت

۱ برای اطلاع بیشتر، ن.ک.به: <https://www.lesbelleslettres.com/>

۲ برای اطلاع بیشتر، ن.ک.به: <https://www.loebclassics.com/>

۳ لازم به یادآوری است که دانشجویان مقطع کارشناسی تاریخ در ایران، در درس یونان و روم باستان، که هریک از این دروس حداقل چهار واحد درسی مستقل را می‌طلبد، تنها دو واحد درسی مشترک را می‌گذرانند و دو واحد نیز برای درس تاریخ بیزانس در نظر گرفته شده که دانشجویان، با توشه‌ای چنین، در شناخت سرزمین‌های همسایه ایران در عصر باستان، به‌ویژه غرب‌شناسی، قدم در راه تحصیلات تکمیلی برای رشته "تاریخ ایران باستان" می‌نهد.

۴ در این باره ر.ک.به:

Plutarque, *Les Œuvres Morales: De la Malignité d'Hérodote*, Tome IV, Traduites du Grec par D. Ricard, Paris, MDCCCXLIV ; Plutarch, *Moralia: On the Malice of Herodotus*, Vol. XI, translated by L. Pearson & F.H. Sandbach, Loeb Classical Library, Harvard University Press, 1965.

5 Saliat, Pierre, *éd. In-foli, Paris, 1556, in-16, 1575.*

6 Courier, Paul-Louis, *Fragments d'une traduction nouvelle d'Hérodote*, Paris, 1882.

7 Legrand, Ph.-E., *Hérodote*, Les Belles Lettres, Paris, 1932 à 1954.

8 Dain, A., *Hérodote*, Introd. A. Dain, Les Belles Lettres, 2 vols., 1962.

9 Gallimard

10 Artaxerxes, published in Vol. XI of the Loeb Classical Library edition, 1926, p.

133.

۱۱ یونانیان و ایرانیان، پلوتارخ، ترجمه احمد کسروی، ص. ۱۹۲.

۱۲ تاریخ کیش زرتشت، مری بویس، جلد دوم: هخامنشیان، انتشارات توس، چاپ اول، نوروز ۱۳۷۵، ص. ۳۰۸.

۱۳ نویسنده این سطور با حسن نظر نسبت به تلاش مترجمان آثار کهن؛ بر این باور است که ترجمه آثار ذیل باید حتماً با دقت تمام از سوی محققانی که قرار است این گونه آثار را در پژوهش‌های خویش مورد استناد قرار دهند، مورد بازبینی قرار گیرد: حیات مردان نامی پلوتارخوس (پلوتارک) با ترجمه رضا مشایخی و احمد کسروی؛ تواریخ هرودوت با ترجمه اعتمادالسلطنه، وحید مازندرانی، هادی هدایتی، فؤاد روحانی و مرتضی ثاقب‌فر؛ جنگ‌های ایران و روم پروکوپئوس با ترجمه محمد سعیدی؛ کوروپدیا (کوروش‌نامه) گسنوفونبا ترجمه رضا مشایخی؛ جغرافیای استرابون (استرابو) با ترجمه همایون صنعتی‌زاده؛ لشکرکشی اسکندر آریان با ترجمه محسن خادم؛ تاریخ سری پروکوپئوس با ترجمه محمد سعیدی؛ خلاصه تاریخ کتزیاس (کتسیاس) از کوروش تا اردشیر با ترجمه کامیاب خلیلی؛ تأملات مارکوس اورلیوس با ترجمه مهدی باقی و شیرین مختاریان.

کتاب‌نامه

بویس، مری (۱۳۷۵). *تاریخ کیش زرتشت: هخامنشیان*، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، جلد دوم، چاپ اول، تهران: نشر توس.

پورجوادی، نصرالله (زیر نظر) (۱۳۸۹). *درباره ترجمه*، برگزیده مقاله‌های نشر دانش (۳)، چاپ پنجم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

ثاقب فر، مرتضی (۱۳۸۹). *تاریخ هرودوت*، دو جلد، چاپ اول، تهران: نشر اساطیر.

سنگاری، اسماعیل (۱۳۹۳). *تاریخ هرودوت (کلیو): ماده‌ها و هخامنشیان تا فرجام کوروش کبیر* (همراه با مقدمه، حواشی، توضیحات و ضمائم)، جلد نخست، چاپ اول، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.

گذار از جهان هرودوتی به جهان پلوتارخوسی: آسیب‌شناسی... ۲۱۳

سنگاری، اسماعیل (۱۳۸۴). «نقدی بر تاریخ هرودوت، جلد اول: کلیو»، نامه ایران باستان: مجله بین‌المللی مطالعات ایرانی، سال ۵، شماره ۱ و ۲، صص. ۷۰-۷۶، مرکز نشر دانشگاهی.

سنگاری، اسماعیل (در دست انتشار). *تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری در دنیای باستان*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتابپارسه.

صفوی، کورش (۱۳۸۲). *هفت گفتار درباره ترجمه*، چاپ پنجم، تهران: نشر کتاب ماد (وابسته به نشر مرکز).

صفوی، کورش (۱۳۶۹). *شیوه نقد ترجمه*، در کنفرانس بررسی مسائل ترجمه، چاپ اول، تبریز: نشر دانشگاه تبریز.

مازندرانی، وحید (۱۳۴۳). *تواریخ هرودوت*، چاپ اول، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مازندرانی، وحید (۱۳۷۸). *هرودوت (تواریخ)*، چاپ دوم، تهران: نشر افراسیاب.

مشایخی، رضا (۱۳۳۸). *حیات مردان نامی اثر پلوتارک*، چاپ اول، ۴ مجلد، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

نجفی، ابوالحسن (۱۳۸۹). «مسئله امانت در ترجمه»، در: *درباره ترجمه*، برگزیده مقاله‌های نشر دانش (۳)، زیر نظر نصرالله پورجوادی، چاپ پنجم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، صص. ۳-۱۴.

هدایتی، هادی (۱۳۳۶-۴۱). *تاریخ هرودوت (جلدهای اول تا ششم)*، چاپ اول، شش مجلد، تهران: نشر دانشگاه تهران.

Briant, P., 1990: « Hérodote et la société Perse », in Giuseppe Nenci et Olivier Reverdin (eds.), *Hérodote et les peuples non grecs. Entretiens sur l'Antiquité classique*, t. XXXV, Genève, p. 69-104.

Briant, P, 1996: *L'empire Perse de Cyrus à Alexandre le Grand*, Fayard, Paris.

Courier, Paul-Louis, *Fragments d'une traduction nouvelle d'Hérodote*, Paris, 1882.

Dain, A., *Hérodote*, Introd. A. Dain, Les Belles Lettres, 2 vols., 1962.

Hérodote, *Histoires: Livre I (Clio)*, texte établie et traduit par Ph.-E. Legrand, Société d'Édition « Les Belles Lettres », Paris, 1970.

Plutarch, *Lives, Volume XI: Aratus, Artaxerxes, Galba, Otho*, Trans. by Bernadotte Perrin, Loeb Classical Library, Harvard University Press, 1926.

Bernadotte Perrin, *Moralia: On the Malice of Herodotus*, Vol. XI, translated by L. Pearson & F.H. Sandbach, Loeb Classical Library, Harvard University Press, 1965.

Plutarque, *Vies*, Tome: XV: *Artaxerxès, Aratos, Galba, Othon*, texte établie et traduit par Emile Chambry & Robert Flacelière, Société d'Édition « Les Belles Lettres », Paris, 1979.

Plutarque, *Les Vies des Hommes Illustres*, Traduction de Jacques Amyot, texte établie et annoté par Gérard Walter, Bibliothèque de la Pléiade, Paris.

Plutarque, *Les Œuvres Morales: De la Malignité d'Hérodote*, Tome IV, Traduites du Grec par D. Ricard, Paris, MDCCCXLIV.

Sharrock, A. & Ash, Rh. 2002: "Herodotus", in *Fifty Key Classical Authors*, Routledge: Taylor & Francis Group, London and New York, p. 57-64.